

- ۱۰ - دربرقرار ساختن صلح بایست مسلمانان متحد شوند؛ و هیچ مسلمانی بدون جلب نظر مسلمان دیگر جز با عداوت و مساوات نمیتواند صلح برقرار کند .
- ۱۱ - مسلمانان بهترین مسلک و محکمترین آئین را دارند .
- ۱۲ - هیچ مشرکی (از مشرکان مدینه) حق ندارد ، مال و جان مشرکان قریش را حمایت کند و یا تمهید نماید و مسلمانی را از دست یافتن بر آنها جلو گیری کند .
- ۱۳ - هر گاه مسلمانی ، مسلمانی را بی جهت بکشد ؛ و از طریق دلائل شرعی ثابت گردد شخص قاتل اعدام میگردد ، مگر اینکه اولیاء مقتول از او بگذرند .
- ۱۴ - هر فردیکه بمندرجات این پیمان اعتراف کند ؛ و بخداوند و رسول او ایمان بیاورد ؛ حق ندارد ، جنایتکاری را یاری کند ، یا با او پناه دهد و هر کس او را یاری کند ، یا پناه دهد خشم خداوند بر او باد ، و هر گز غرامت و خسارتی از او پذیرفته نیست .
- ۱۵ - مرجع حل اختلاف همیشه خدا و محمد است .

بند دوم

- ۱۶ - هر گاه یهودان همراه مسلمانان بجنگند ، بایست هزینه جنگی سهم خود بپردازند
- ۱۷ - یهودان بنی عوف با مسلمانان متحد و در حکم یک ملتند ، و مسلمانان و یهودان در آئین و دین خود آزادند ، بندگان آنها از این قرار داد مستثنی نیستند . مگر گناهکاران و بیدادگران که آنان فقط خود و اهل بیت خود را هلاک میکنند .
- ۱۸ - یهودان بنی نجار ، بنی حارث ؛ بنی ساعده ، بنی جشم ، بنی اوس ، بنی ثعلبه ، بنی شطیبه ؛ بسان یهودان « بنی عوف » هستند و از نظر مزایا و حقوق با هم فرقی ندارند .
- ۱۹ - هیچکس حق ندارد بدون اجازه « محمد » از این اتحادیه بیرون برود .
- ۲۰ - خون هر فردی از این افراد محترم است ؛ و هر کس خون کسی را بریزد ، قصاص او دامنگیر او شده و بالتلیجه خود و اهل بیت خود را هلاک کرده است مگر اینکه قاتل ستم دیده باشد
- ۲۱ - در جنگهایی که یهودان و مسلمانان دو شادوش هم میجنگند ؛ هزینه هر کدام بر عهده خود آنهاست ، و هر کس که با متحدین این پیمان بجنگد بایست متحداً با او جنگید .
- ۲۲ - مناسبات هم پیمانان بر اساس نیکی و خوب است و بایست از بدی دور باشند .
- ۲۳ - هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم کند ؛ در چنین صورت بایست ستم دیده را یاری کرد .

۲۴ - داخل و یثرب، برای امضاء کنندگان این پیمان منطقه حرم اعلام میگردد

۲۵ - جان همسایگان و یاکسانی که پناه داده شده اند ، بسان جان ما است ؛ نبایست با و ضرر رسانید .

۲۶ - قریش و هم پیمانان قریش پناه داده نمی شوند

بند سوم

۲۷ - امضاء کنندگان این پیمان از دفاع مشترک « یثرب » را برعهده دارند .

۲۸ - هر گاه مسلمانان یهود را برای صلح با دشمن دعوت کردند بایست بپذیرند و هر گاه چنین دعوتی از طرف یهود بعمل نیاید ، مسلمانان باید قبول کنند ، مگر اینکه جنگ آنها درباره نبردین و آئین خود باشد .

بند چهارم

۲۹ - این قرارداد از ظالم و مجرم حمایت نمی کند .

۳۰ - هر کس در مدینه بماند در امانست و هر کس از آنجا بیرون برود ، در امانست مگر ستمکار و گناهکار .

این پیمان را با این جمله ختم نموده است **وان الله جار لمن بروتقی و محمد رسول الله** : یعنی خدا پناه دهنده نیکوکاران و پرهیزکارانست ؛ و محمد پیامبر خداست . این قرارداد سیاسی ؛ و قانون اساسی اسلام در آن روز که ماقسمتهای حساس آن را ترجمه نمودیم ، نمونه کاملی از روح آزادی عقیده ، رفاه اجتماعی ، لزوم همکاری در امور همگانی در اسلام است بالاتر از همه حدود و اختیارات رهبر و مسئولیت عموم امضا کنندگان را روشن کرده است در این قرارداد ، اگر چه یهودان « بنی قریظه » و « بنی نضیر » و « بنی قینقاع » شرکت نکردند ولی بعدها با رهبر مسلمانان پیمانهای را امضاء نمودند (۱) .

(۱) بحار ج ۱۹ ، صفحات ۱۱۰ - ۱۱۱ - و از مواد آن پیمان جمله های زیر است :

به موجب قرارداد پیامبر با هر يك از سه گروه پیمان میبندد که هر گز بر ضرر رسول خدا و یاران وی قنمی بر ندارند و بوسیله زبان و دست ضری با و نرسانند اسلحه و هر کب در اختیار دشمنان او نگذارند ، هر گاه برخلاف متن این قرارداد ، رفتار کنند ؛ پیامبر در ریختن خون آنها و ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آنها دستش باز خواهد بود ، سپس از طرف گروه « بنی نضیر » حی بن اخطب ، و از جانب « بنی قریظه » کعب بن اسد و از ناحیه « بنی قینقاع » مخریق امضاء نمودند .

و بدینوسیله محیط «یثرب» با توابع نزدیک خود محیط امن و امان و منطقه حرم اعلام گردید اکنون نوبت آن رسیده است که پیامبر اکرم در باره دشمن شماره یک توحید یعنی «قریش» تدبیری اتخاذ کند زیرا تا این دشمن سر راه تبلیغات او باشد هرگز بشر آئین و بسط احکام موفق نخواهد گردید

اضطراب و کارشکنیهای یهود .

با اینکه سخن مادر پیرامون حوادثی است که در نخستین سال هجرت رخ داده است ، ولی برای اینکه حوادث مربوط به یهود را یکجا گفته باشیم ؛ بطور اختصار به برخی از مجادلات و کشمکشهای مذهبی و خیانت و کارشکنی آنان اشاره مینمائیم .

تعالیم عالیه اسلام و حسن اخلاق و سلوک پیامبر سبب میشد که روز بروز بر تعداد مسلمانان افزوده گردد ، و نیروی نظامی و اقتصادی و سیاسی آنها روز بروز قویتر شود ، این پیشرفت روز - افزون اضطراب و ولولهای عجیب در محافل مذهبی یهود بوجود آورد ؛ زیرا آنان تصور میکردند با تقویت پیامبر اسلام میتوانند در اربابسوی خود بکشانند هرگز تصور نمیکردند که روزی قدرت او ما فوق قدرت یهودان و مسیحیان گردد ، از این نظر شروع بکارشکنی کردند ؛ با پیش - کشیدن سؤالات پیچیده مذهبی میخواستند عقیده مسلمانان را نسبت به پیامبر متزلزل سازند ولی هرگز این حربهای کند کوچکترین تأثیری در صفوف فشرده مسلمانان از خود بجای نگذاشت ، قسمت مهم این مجادلات در سوره بقره (تا آیه هشتاد و یکم) و سوره نساء وارد گردیده است ، و خوانندگان گرامی با مطالعه آیههای دوسوره مزبور به شدت عناد و لجوجی گروه یهود پی میبرند ، آنان هر چند سؤال میکردند جواب روشن و واضح آنرا درمی یافتند ، و برای اینکه از زیر بار اسلام آوردن شانه خالی کنند ، بالاجت خاصی در پاسخ سؤال پیامبر که ایمان بیاورید ؛ میگفتند : **قلوبنا غلیف** ؛ بردلهای ما پرده افشاده است و ما گفته های تورا درست نمی فهمیم .

عبدالله بن سلام ایمان میآورد

این مجادلات اگرچه بر شدت و عناد یهود میافزود ولی گاهی باعث میشد گروه قلبلی ایمان بیاورد ؛ «عبدالله بن سلام» از احبار و دانشمندان یهود بود او پس از مذاکرات مفصل با پیامبر که در بحار ج ۱۹ ص ۱۳۱ بطور تفصیل بیان شده است ، ایمان آورد ، چیزی نگذشت دانشمند دیگری بنام مخریق باو پیوست ، «عبدالله» میدانست که اگر قبیلۀ او از ایمان او مطلع گردند ، زبان بیدگوئی از او خواهند گشود ؛ از این جهت از پیامبر خواش کرد ، که ایمان آوردن او را پنهان کند تا اعتراف صریح بدانش و پرهیز کاری او از قبیلۀ وی بگردد ؛ روی این

اصل پیامبر از یهودان پرسید که نظر شما دربارهٔ عبدالله چیست همگی گفتند : او پیشوای ما و پیشوازاده و دانشمند ارجدارماست ، سپس عبدالله رهسپار منطقه خود شد و از اسلام و ایمان خود قبیلهٔ خود را آگاه ساخت ، انتشار خبر ایمان آوردن عبدالله موجی از خشم یهود را علیه وی متوجه ساخت با اینکه چند ساعت از اعتراف دستجمعی آنها نگذشته بود ؛ همگی به تفسیق و نادانی وی قیام کردند .

نقشه‌دیگری برای برانداختن حکومت اسلام

مجادله‌ها و سوالات پیچیده یهودنه تنها عقیده مسلمانان نسبت به پیامبر خود تحکیم نمود ؛ بلکه سبب میشد که مقام علمی و اطلاعات غیبی وی بر همه روشن و آشکار گردد ؛ و در سایه همین بحثها دسته‌های مختلفی از بت پرستان و یهود بوی بگرایند روی همین اصل نقش دیگری را خواستند بازی کنند ؛ و آن اصل و اختلاف بیانداز و حکومت کن. ، بازیگران یهود ؛ بفکر افتادند که با تنش اختلاف و نفاق کهنه دامن بزنند و جنگهای صد و بیست ساله اوسیان و خزرجیان را که در سایه ایمان و اسلام و برادری و برابری از بین رفته بود ، تجدید کنند تا بالنتیجه در قوای داخلی مسلمانان جنگ و خونریزی آغاز گردد و جملگی طعمه آتش جنگهای داخلی شوند .

روزی اوسیان و خزرجیان در نقطه‌ای انجمن کرده بودند ، وحدت و یگانگی این گروه که دیر و دشمن خون آشام یکدیگر بودند یکی از بازیگران یهود را سخت متأثر کرد ؛ بیک جوان یهودی که در آن میان بود اشاره کرد که برنامه اختلاف را اجراء کند ، وی خاطرات جانگداز هر دو طایفه ساده لوح عرب را بخاطر آنها آورد سرگذشت جنگ «بناث» را که بالنتیجه اوسیان بر خزرجیان پیروز شدند بطور تفصیل یاد آورد ، خاطرات کهنه و پوسیده را چنان تشریح کرد که نزاع و تفاخر میان دودسته مسلمان (اوس و خزرج) آغاز گردید نزدیک بود که جنگ میان آنان درگیر شود ؛ که خبر به پیامبر رسید و از نقشهٔ شوم یهود آگاه گردید با گروهی از یاران خود پیش آنها آمد هدف اسلام و برنامه عالی خود را بیاد آنها آورد و گفت اسلام شماها را با یکدیگر برادر نموده و تمام کینه‌ها و خشم‌ها را بدست فراموشی سپرده است ، بقدری آنها را پند و اندرز داد و از سرانجام اختلاف آگاهشان نمود ؛ که یکمرتبه ناله و صدای آنها بگریه بلند شد ؛ و برای تحکیم مبانی برادری همدیگر را در آغوش گرفتند ، و از درگاه خدا طلب آمرزش نمودند .

نقشه‌های یهود در اینجا خاتمه نیافت کم‌کم دامنه خیانت و جنایت و پیمان شکنی و نقض عهد آنها توسعه یافت و با مشرکین اوس و خزرج و کسانی که در اسلام و ایمان خود دو دل بودند روابط خصوصی برقرار نمودند و در نبردهای مسلمانان با قریش؛ علناً مداخله نموده و بنفع بت - پرستان شدیداً فعالیت می نمودند .

فعالیت‌های مخفیانه و علنی یهود با مشرکان قریش منجر به جنگ‌های خونینی میان مسلمانان و یهود گردید؛ که بالنتیجه لانه فساد یهود از شبه جزیره برچیده گردید و شما مشروح این حوادث را در حوادث سال‌های سوم و چهارم هجرت خواهید خواند و روشن خواهد شد که جامعه یهود چگونه جزای این حسن سلوک را که سرتاسر این پیمان از آن حاکی است با پیمان شکنی و اقدامات علنی علیه اسلام و مسلمان و توطئه چینی بر شخص پیامبر و حمایت از دشمنان؛ دادند و عملاً پیامبر را مجبور ساختند که پیمان و سند فوق را نادیده بگیرد .

گشاده روئی

رسول اکرم (ص) بنخویشاوندان خود میفرماید : ای فرزندان عبدالمطلب ؛ اگر قدرت آنرا ندارید که بوسیله بخشش مال دلهای مردم را بخود جلب کنید . با چهره گشاده قلوب مردم را جلب نمایید .

حضرت باقر (ع) میفرماید : مردی از پیغمبر اسلام تقاضای نصیحتی کردند حضرت در ضمن کلمات خود فرمودند : برادر دینی خود را با چهره باز ملاقات کن ،

مردی از حضرت صادق (ع) میپرسد : حسن خلق چیست ؟ در جواب میفرمایند : « تواضع ؛ خوش‌زبانی و گشاده روئی با برادران دینی ، ،

(نقل از فروع کافی)